

سیر تطور بنای قبه الصخره تا قرن دوم هجری

ناهید حبیبی^۱

چکیده

از زمان شکل گیری اسلام و گسترش آن در قلمرو وسیع جغرافیایی در طول زمان مهم ترین ساختمان یا بنای مورد توجه مسجد بوده است که نمادی از وحدت ملت های مسلمان بوده است. در حوزه معماری، مطالعات و پژوهش های فراوانی در مساجد و کالبد آن ها انجام شده که بیشتر آن ها در موضوعات فنی و تخصصی انجام گرفته اند که در جای خود بسیار ارزشمند هستند. در حوزه مطالعات اسلامی نیز به جرأت می توان گفت که بخش اعظم تاریخ نویسی هنر اسلامی را مطالعات معماری و بنا ها تشکیل می دهد. در واقع شرق شناسان و مورخان غربی هر جا سخن از هنر اسلامی به میان آورده اند همراه با معماری و بررسی بناهای مذهبی و حتی بناهای غیر مذهبی بوده است. اما نگاه معماران و محققان معماری تفاوت اساسی با نگاه تاریخ نویسان دارد. به گونه ای که مورخان بناها را صرفا در کلیتی زیبایی شناسانه توجه نموده اند. در این مقاله تلاش نموده ایم با رویکردی تاریخی و زیبایی شناسانه سیر تطور بنای مذهبی قبه الصخره و بازسازی آن را تا قرن دوم هجری بررسی نموده و با تاکید بر نقش تلاقی فرهنگ ها و تأثیر آن در شکل گیری بناهای دوره اسلامی نشان دهیم که تأثیر فرهنگ ها بر یکدیگر که اغلب توسط عوامل مختلفی چون کشور گشایی - شورش و حتی تعاملات سیاسی صورت گرفته چگونه باعث تولد و زایش متون جدید فرهنگی در قالب بناها و آثار هنری شده است.

روش گرد آوری اطلاعات در این مقاله کتابخانه ای و توصیفی بوده و تمام اطلاعات از طریق اسناد و منابع دست اول و دوم و نیز کتابخانه الکترونیکی جمع آوری شده است.

کلید واژه: مسجد، قبه الصخره، سیر تطور، تلاقی فرهنگی

۱. این مقاله تکلیف درس مصر و شام مربوط به جناب دکتر شهیدی پاک می باشد که توسط ناهید حبیبی انجام شده است بدینوسیله مراتب تشکر و سپاس خود را جهت راهنمایی های ایشان مبذول می دارم.

مقدمه

هر بنا یا اثری که در بستر فرهنگی خاص ساخته شده است گاهی حاوی نشانه های فرهنگ های دیگر نیز هست و کانون آمیختگی فرهنگ ها تلقی می شود. از این رو زیبایی شناسی آن مدیون همین تلاقی و اختلاط فرهنگی است. زیرا حتی در یک سطح دیگر ممکن است باعث جذب مخاطبانی از فرهنگ های گوناگون بشود. بنا براین "فرهنگ تمامی بشریت در حقیقت نظام بسته و مستقل و قایم به ذاتی را تشکیل می دهد. قبه الصخره که بنای آن در سال ۶۹۱ م در بیت المقدس به اتمام رسید از اولین آثار هنری دوره امویان و از نخستین آثار برجای مانده اسلامی به شمار می رود. که با معراج پیامبر(ص) از مسجدالاقصی و عروج او از قبه به آسمان گره خورده است. پیش از این که فلسطین به دست مسلمانان افتد، در شهر بیت المقدس بر روی تپه ای که حرم الشریف^۱ نام دارد، معبدی^۲ از یهود برپا بود(وزیری، ۲۱۴، ۲/۱۳۷۳) این تپه بنا به روایت یهود صخره ای است که خداوند به ابراهیم فرمان داده بود تا اسماعیل را در آنجا قربانی کند. (حورانی، ۱۳۸۴، ص ۵۵، ۵۴) عده ای دیگر معتقدند که روی این تپه صخره مسطحی قرار دارد که به دست حضرت ابراهیم از فردوس به آن محل انتقال داده شده است و مورد احترام یهودیان و مسلمانان می باشد. خلیفه دوم دستور داد که روی آن صخره مسجدی بنا کنند و با این که این مسجد در زمان عبدالملک بن مروان ساخته شده است، ولی هنوز آن را مسجد عمر می نامند. نام دیگر این مسجد قبه الصخره است. طرح قبه الصخره شباهتی به طرح مسجد مدینه ندارد و شباهت آن به ایا صوفیا بیشتر است. قسمت مرکزی این مسجد به صورت استوانه است که بر روی آن گنبد قرار دارد و در اطراف استوانه در چند ردیف ستون سنگی، پایه های پنج ضلعی را به صورت بنای هشت ضلعی درآورده است و بیشتر به کلیسا شبیه است تا مسجد، لذا با در نظر گرفتن این که در آن زمان فلسطین و شام در ناحیه نفوذ سیاسی و معنوی بیزانس قرار داشته اند، این امر طبیعی می نماید که قبه الصخره شبیه بازلیکیهای^۳ رومی و کلیسای سن صوفی ساخته شده باشد (وزیری، ۱۳۷۳، ص ۲۱۴) گفته اند که عبدالملک می خواسته است تا مسجد قبه الصخره را به صورت رقیبی برای کعبه درآورد تا در مراسم حج به جای مکه در بیت المقدس، محلی که پیامبر(ص) از آن جا به معراج رفته است، انجام پذیرد. (پرایس، ۴۷/۱۳۹۱ و شهیدی پاک، ۲۷۱/۱۳۹۷) به هر حال این مسجد قدیمی ترین شاهکار

۱. یعنی مکان مقدس و با شکوه حرم شریف که در قدس از سه مسجد تشکیل شده است. مسجد الصخره، مسجد عمر و مسجد الاقصی (رفاعی، ۵۲/۱۳۹۲)

۲. معبد سلیمان که روی آن تپه قرار داشت و یهودیان و مسیحیان هر دو را از زمان ویرانی معبد مذکور به دست تیتوس در سال ۷۰ پس از میلاد از آن دور داشته بود. (هیلن براند، ۲۴/۱۳۹۱)

۳. بازلیک: کلیساهای سده نخستین مسیحیت که بر اساس معماری سالن های گرد همایی عمومی رومیان بنا شده

اسلامی است که هنوز پا برجاست (هوک، ۱۴/۲۵۳۵). این مقاله در پی پاسخ به این پرسش بوده است که اولاً ساخت چنین بناهایی چه تاثیری در تلاقی فرهنگ‌ها داشته است؟ و ثانیاً مراحل بازسازی و سیر تطور آن در طی قرون اول و دوم هجری چگونه به چه حکومت‌هایی اختصاص داشته است؟

مسجد الاقصی

مسجد مبارک الاقصی در حقیقت کل مساحت حصار کشتی شده در بخش قدیمی شهر قدس است که به مستطیل شباهت دارد حال آن که بسیاری از مسلمانان این روزها اشتباهاً این مساحت را حرم قدس شریف قلمداد می‌کنند. مسجد الاقصی از تعدادی ساختمان و گنبد و محراب و سکو (نیمکت سنگی) و سقاخانه و چاه تشکیل شده است که استاد احمد فتاحی خلیفه تعداد آن‌ها را ۲۰۰ اثر تاریخی برشمرده است که عمده‌ترین آن‌ها به شرح زیر است:

گنبد صخره شریف: در واقع یک ساختمان ۸ ضلعی با گنبدی طلائی رنگ است که دقیقاً در وسط این مسجد و کمی مایل به سمت چپ آن قرار دارد و به خاطر صخره موجود در داخل ساختمان مسجد به این نام معروف گشته است و در حال حاضر نماز خانه خانم‌ها به شمار می‌رود.

جامع قبله: مسجدی است که این روزها بیشتر مردم اشتباهاً آن را مسجد مبارک الاقصی می‌نامند و جامع قبله دقیق‌ترین نامگذاری است و با توجه به این که در جهت جنوبی مسجد مبارک الاقصی یعنی در طرف قبله قرار دارد به این نام معروف شده است و این روزها نمازخانه اصلی آقایان در مسجد مبارک الاقصی و همچنین محل اقامه نماز امام جماعت به شمار می‌رود.

مصلی مروانی: زیر مسجد مبارک الاقصی و در سمت جنوب شرقی آن قرار دارد و اساساً به منظور تراز کردن زمین مسجد الاقصی ساخته شده است و پس از آن به عنوان بخش امانات از آن استفاده شد و صلیبی‌ها این مکان را به اسطبل اسب‌ها مبدل کردند.

ساختمان قدیمی الاقصی: زیر جامع قبله قرار دارد و در دوره امویان ساخته شد و در واقع ورودگاه همایونی برای مسجد مبارک الاقصی از سمت کاخ‌های اموی به شمار می‌رود. این کاخ‌ها تقریباً در بیرون از محدوده مرزهای سمت جنوبی مسجد مبارک الاقصی قرار داشت.

مسجد البراق: در کنار دیوار براق و زیر مسجد مبارک الاقصی قرار دارد.

سقاخانه قایتبای: معروف سقاخانه و چاه آب در اطراف مسجد الاقصی به شمار می‌رود.

مدرسه اشرفیه: معروف‌ترین مدرسه واقع در اطراف مسجد الاقصی است.

آثار باستانی فراوانی اعم از گنبد و محراب و چاه و گلدسته در این مکان مقدس وجود دارد و این جا

فرصت پرداختن مبسوط به آن ها نیست. (معروف عمر، ۶۱/۱۳۶۹)

موقعیت جغرافیایی و تاریخچه ساخت و معماری بنای قبه الصخره :

فلسطین به مساحت ۲۵۰۰ کیلومتر، در آسیای غربی در ساحل شرقی مدیترانه (بحر الروم) بین کشورهای سوریه، مصر، لبنان، اردن و دریای مدیترانه قرار دارد. که طول آن از شمال به جنوب ۲۴۰ کیلومتر و عرض آن از شرق به غرب در قسمت های مختلف بین ۴۰ تا ۱۳۰ کیلومتر متغیر است. (اکرم زعیتر، ۳۲/۱۳۶۲) شهر قدیم اورشلیم در خلال تاریخ و در مسیر ویرانی های متعدد به عمق ۴۰ تا ۷۰ پا در زیر خاک مدفون شده و امروز فقط قسمت کوچکی از شهر قدیمی بر جای مانده است. معبد یا هیکل که بر روی صخره مقدس بنا شد در بلندترین نقطه شهر قرار گرفته بود ، اما امروزه سطح معبد و حرم الشریف با سطح شهر یکسان است. (جان الدر، ۱۳۸/۱۳۳۵)

مقارن با ظهور اسلام بیت المقدس دو بار بین دو قدرت بزرگ آن زمان یعنی ایران و روم شرقی دست به دست گشت. ابتدا خسرو پرویز امپراطور ساسانی، قدس را از دست رومیان درآورد و صلیب عیسی را به پایتخت ایران منتقل نمود (در سال ۶۱۴ میلادی) بعد در سال ۶۲۹ میلادی مجدداً فلسطین به دست هراکلی (هراقلیوس) امپراطور روم افتاد و صلیب عیسی از پایتخت ایران به بیت المقدس منتقل شد. (حمیدی، ۱۸۳/۱۳۸۱) در دوره اسلامی در سال ۱۵ هجری عمر خلیفه دوم مسلمین بیت المقدس را تصرف نمود و در طی یک صلح نامه به ساکنین شهر قدس در قبال پرداخت جزیه اجازه داد تا به معابد و کلیساها بروند اما یهودیان را از ورود به بیت المقدس منع کرد. (حمیدی، ۱۳۸۱/ ۱۸۹) در هنگام حضور عمر در شهر قدس و عقد قرارداد صلح مسجدی به نام مسجد عمر یا همان قبه الصخره ساخته شد. (جان هواگ و هانری مارتن، ۲۶/۱۳۸۸) اما برخی معتقدند که مسجد صخره مسجد عمر نیست، بلکه در جوار آن است (حمیدی ، ۱۳۸۱/ ۱۹۰)

فتح بیت المقدس در زمان مسلمانان

سزاوار بود که سومین شهر اسلام و سومین مسجد اسلام بدون جنگ و درگیری فتح گردد تا این اقدام به یک الگو مبدل شود، همان طوری که شهر مکه به صورت مسالمت آمیز گشوده شد و این اقدام نمادی از احترام به احساسات محسوب می شود. (معروف عمر، ۷۸/۱۳۶۹) این همان چیزی است که ابو عبیده آن را انجام داد. زمانی که وی در سال ۱۵ هجری وارد شهر بیت المقدس شد، سپاه خویش را متوقف کرد و این شهر را به محاصره درآورد، ولی به آن حمله نکرد، بلکه نامه ای را به ساکنان آن فرستاد و صاحب کتاب "اتحاف الاخصا" آن را عنوان کرده است.

متن نامه

« به نام خداوند بخشنده مهربان، از ابی عبیده بن الجراح به اسقف اهالی ایلیا و ساکنان، سلام درود بر راهروان راه هدایت و مومنان به خداوند و رسول خدا، اما بعد: ما از شما می خواهیم که گواهی دهید که خداوندی جزء خداوند جهان نیست، حضرت محمد فرستاده اوست و تحقق قیامت حتمی است و هیچ شکی در آن نیست و خداوند متعال تمامی مردگان را زنده می کند، شما شاهد آن خواهید بود، ریختن خون شما و تاراج اموال شما بر ما حرام گشته است، چرا که شما برادران ما هستید، اگر چه آن را رد کنید، قومی را پیش شما آورده ام که نسبت به شما برای مرگ شیفته ترند و تا زمانی که مبارزان شما را از دم تیغ نگذرانم دست از شما برنخواهم داشت. » (اتحاف الاخصا، ۱۹۸۷/ ۹۹)

به محض این که این نامه به دست مسیحیان قدس رسید ترس و وحشت سراسر وجود آن ها را گرفت، آنان تا زمستان در محاصره ماندند به امید این که مسلمانان از آنان دست بردارند، ولی صبر مسلمانان بسیار شدیدتر و عظیم تر بود تا این که ساکنان این شهر محاصره شده از محاصره به ستوه آمدند و واسطه هایی را فرستادند و درخواست صلح نمودند و خواستار تحویل شهر شدند، ولی اسقف های اعظم شهر یک شرط بی سابقه را برای مسلمانان تعیین کردند و آن این که خلیفه مسلمانان به قدس بیاید و کلیدهای آن را از آنان بگیرد، اگر در این درخواست دقت کرده باشیم می بینیم که آنان به منزلت و جایگاه این شهر در میان مسلمانان شناخت دقیقی داشتند. نماینده امت نزد عمر بن خطاب فرستاده شد و او را در جریان وضعیت این شهر قرار داد، عمر ابن خطاب نیز با صحابه در این مساله رایزنی کرد برخی از آنان پیشنهاد دادند که راهی این شهر شوند و برخی دیگر خواستند که به این شهر نروند ولی خلیفه به خاطر تیزبینی اش عزم خود را برای خروج به این شهر جزم کرد. (طبری، ج ۵/ ۱۷۹۰) عمر زمانی که وارد قدس شد از کوه المبکر واقع در سمت جنوبی شهر بیت المقدس به این شهر نگاهی انداخت و دیوارهای آن را دید تا این که تکبیر گفت و مسلمانان نیز هم صدا با او تکبیر گفتند و ساکنان این شهر فهمیدند که خلیفه وارد این شهر شده است. دو روایت در تاریخ در مورد محل ورود عمر ابن خطاب به شهر بیت المقدس ذکر شده است. (معروف عمر، ۱۳۶۰/ ۸۸) یکی این که عمر از دروازه ای به نام باب الخلیل (باب یافا بنا به تعبیر یهودیان) وارد شهر بیت المقدس شد و دیگری این که وی از دروازه ای بنام باب العمود یا باب دمشق یا باب نابلس وارد آن شد (معروف عمر، ۱۳۶۰/ ۸۸).

روایت ها، داستان معروفی را در مورد عمر به این شهر و بازدید وی از کلیسای قیامه به همراه "صفرونیوس" اسقف اعظم شهر بیان می کنند. در این داستان آمده است که صفرونیوس از خلیفه خواست تا در این کلیسا نماز بخواند، ولی او این خواسته را رد کرد و در نزدیکی این کلیسا نماز خواند. مکان اقامه نماز عمر مورد اختلاف است، برخی ها می گویند که وی در مقابل کلیسای القیامه نماز خواند و بسیاری از تاریخ نگاران قدیم نظیر مجیرالدین العلیمی طرفدار این رای هستند. برخی ها می گویند که وی در (بازار الدباغه) واقع در بخش قدیمی در نزدیکی کلیسای قیامه از سمت شرقی شهر

قدس نماز خواند، بسیاری از تاریخ نگاران از جمله دکتر ناجح بکیرات بر این باورند. ولی عمده ترین مساله در این میان بازدید از مسجد مبارک الاقصی است؛ به نحوی که می گویند عمر ابن خطاب از صفروینوس خواست تا او را به مسجد الاقصی برساند و وقتی وارد این مسجد شد الله اکبر سر داد و گفت: «این همان مسجدی است که رسول خداوند آن را برای ما توصیف کرده بود. (معروف عمر ۸۸/۱۳۶۰). عمر گفت این مصلی را در صدر مسجد بنا می نهیم، همان طوری که پیامبر اکرم (ص) قبله مساجد را در صدر آن ها بنا نهاد و بسیاری از تاریخ نگاران نظیر الواقدی و الطبری والعلیمی و غیره این مساله را روایت کرده اند. به این ترتیب عمر صدر مسجد مبارک الاقصی را برای ساخت مصلی سر پوشیده برگزید و این روایت در بسیاری از کتاب های سیره آمده است مثل الانس الجلیل و در مورد صحت آن ها اختلاف نظر وجود دارد. (العلیمی، ج ۲/۴۰۵) مسجد عمر ابن خطاب در واقع یک مسجد چوبی با گنجایش هزار نفر می باشد و این مسجد تا زمان معاویه ابن سفیان باقی ماند. (طبری، ج ۵/۱۷۹۰) در مورد ورود خلیفه عمر به بیت المقدس ذکر شده است: هنگامی که خلیفه مؤمنان سنگ مقدس را آزاد کرد، اصحابش به او گفتند: مسجد را می سازیم و سنگ را رو به قبله می گذاریم، عمر گفت: نه مسجد را می سازیم و سنگ را آنجا که ممکن است کنار می زنیم خلیفه دستور ساخت حرم را داد و سنگ را در قسمت پشت رها کرد. (العلیمی، ج ۳/۲۱۵)

لسترنج در کتاب خود درباره عمر می نویسد: عمر، ملبس به عبای بلند و پاره ای که از پشم شتر بود، از رییس طایفه سوفرونپوس خواست که وی را به معبد سلیمان هدایت کند تا در آنجا عبادتگاهی بسازد (لسترنج، ۱۹۸۰ / ۱۴۰) مقدسی در این زمینه می نویسد:

خلیفه با مردم بیت المقدس صلح کرد. به این شرط که کتیبه هایشان را ویران نکنند، و راهبان را از آنجا بیرون نراند. (مقدسی، ج ۵ / ۱۸۵) آنان نیز جزیه پذیرفتند و دیوارهای شهر را گشودند. عمر سوار مرکب شد و به داخل شهر آمد و صخره را آشکار کرد و دستور داد تا در سر آن مسجدی بسازند (ابن خلدون، ج ۲ / ۵۴۳) سپس سوی محراب داوود (ع) رفت، زمانی که نزدیک در مسجد رسید، گفت: کعب بن احبار را پیش من بیاورید، کعب پیش او آمد. خلیفه گفت: به نظر تو مسجد را کجا قرار دهیم؟ کعب گفت: پای صخره. خلیفه گفت: ای کعب به خدا روش یهودی پیش گرفتی، دیدمت که هر دو پاپوش از پای درآوردی. گفت: می خواستم با پایم زمین را لمس کنم. گفت: دیدمت. ما بالای مسجد را قبله گاه می کنیم که پیامبر اکرم (ص) قبله مسجدهای ما را چنین کرده است. این سخن را رها کن، زیرا درباره صخره امری نداریم. اما درباره کعبه امر داریم. سپس بالای مسجد از قبله گاه رفت. (طبری، ج ۳/۶۱۰-۶۱۱)

عصر اموی

معاویه بن ابی سفیان نسبت به شهر قدس اطلاع و آگاهی زیادی داشت. وی یکی از شاهدان عینی فتح این شهر به دست عمر بن الخطاب بود. او در آغاز دوره خلافتش، ساختمان مسجد جامع قبله را

که به دست عمر احداث شده بود، بازسازی کرد. قبلا به این مساله اشاره کردیم که عمر دستور احداث مسجد جامع قبله در محل معروف خود واقع در سمت قبله مسجد الاقصی را صادر کرد و این مسجد با استفاده از چوب ساخته شد و در زمان خود ظرفیت پذیرش هزار نمازگزار را داشت. در آن زمان این مسجد فرسوده شده و به دلیل کهنه شدن چوب هایش خسارت هایی به آن وارد آمده بود. معاویه با استفاده از سنگ این مسجد را توسعه داد و بازسازی کرد و گنجایش آن به ۳ هزار نمازگزار افزایش یافت. تا آن زمان این مسجد، تنها ساختمان موجود در مسجد مبارک الاقصی بود. مسجد جامع قبله به همین وضعیت باقی ماند تا اینکه عبد الملک بن مروان خلافت را بر عهده گرفت. وی از برجسته ترین خلفای دوره اموی در زمینه ساخت و ساز و آبادانی بود. وی مسجد قبۀ الصخره را که یکی از زیباترین و بزرگترین بناهای تاریخی به شمار می رود که بشریت تاکنون از ساخت مشابه آن عاجز مانده است، احداث کرد. (معروف عمر، ۸۸/۱۳۶۹). در سال ۶۹ هجری ۶۸۸ م عبد الملک خلیفه اموی بر آن شد که بر فراز صخره مقدس گنبدی پرشکوه بسازد که با گنبد های کلیسای مقدس عیسی برابری کند و به سراسر جهان اسلام نامه نوشت و خواستار پول و صنعتگر شد و چون پول ها گرد آمد گنبدی در کنار این سنگ و یا صخره ساخته شد تا پول ها را در زیر آن نگه دارد (کریستین پرایس، ۴۷/۱۳۸۶) مقدسی معتقد است: راجع به مسجد الاقصی پایه ریزی آن توسط داوود (ع) انجام گرفته است. روی این پایه ریزی هاست که عبد الملک دستور داد مسجد را با سنگ های زیبا با ابعاد کوچک و کنگره دار بسازند. (المقدسی، ج ۵/ ۱۸۶) اسناد پاپیروس های یونانی (بیزانسی) نیز که امتیاز معاصر بودن را هم دارند با این عقیده هم آهنگ می باشند و ساخت این بنا را به ولید نسبت می دهند. احتمالا می توان گفت: عبد الملک ساخت بنایی را شروع کرد که می بایستی ولید، فرزند و جانشین آن را به اتمام می رساند. البته پذیرش این مطلب باعث تعجب نیست، زیرا عبد الملک می خواست در مقابله با ابن زبیر که در مکه مستقر بود به پایگاه خویش یعنی بیت المقدس اهمیت ببخشد و با بنای دیگری که در مکه (کعبه) وجود داشت رقابت کند. (کونل، ۱۷/۱۳۸۶). او این بنا را ساخت تا مسلمانان شام به جای کعبه به دور آن طواف کنند و " آن بدان جهت بود که هر گاه مردم شام به حج می رفتند عبدالله بن زبیر^۱ آنان را به بیعت می گرفت و عبد الملک که چنان دید ایشان را از رفتن به مکه منع کرد، پس مردم به فریاد آمدند و گفتند: ما را از حج خانه خدا که بر ما واجب است باز می داری؟ عبد الملک در پاسخ به آن ها حدیثی از پیامبر از قول فرزند شهاب زهری^۲ آورد مبنی بر اینکه: بار سفر بسته نمی شود مگر به سه مسجد: مسجد الحرام، مسجد من و مسجد بیت المقدس.

۱. عبدالله بن زبیر (خلیفه رقیب) کعبه را پایگاه خود قرار داده بود و در زمان عبد الملک بن مروان ادعای خلافت داشت.
 ۲. محمد بن مسلم بن شهاب زهری (۱۲۴ هـ) مؤسس مکتب تاریخ نگاری مدینه (مکتب اهل حدیث) و بزرگترین نمایانین مکتب است. او نخستین چهار چوب و خطوط کلی سیره نویسی را معین کرده است؛ شهرت فراوان زهری به سبب کتاب المغازی اوست (سجادی و عالم زاده، ۶۲/۱۳۹۱-۶۳)

سپس ادامه داد [و آن] برای شما به جای مسجد الحرام است؛ و این سنگی که بر حسب روایت، پیامبر خدا چون خواست به آسمان بالا رود، پای خویش بر آن نهاد برای شما به جای کعبه است... و در دوران بنی امیه رسم طواف پیرامون قبه الصخره برقرار بود." (یعقوبی، ج ۲، ۱۳۸۹ / ۲۰۴ - ۲۰۵)

طبق گفته المقدسی جغرافی دان، عبدالملک برای اینکه بتواند هزینه ساخت این بنا را بپردازد دستور داد خراج هفت سال کشور مصر به آن اختصاص یابد. (المقدسی، ۲۳/۱۳۶۱) این بنا توسط دو مهندس به اسم یزید بن سلام و رجا بن حیا الکنندی ساخته شد. (عبدالغنی، ۱۳۹۶ هـ/ق/ ۸۰) و در سال ۷۲ و ۷۳ هجری ساخت بنا به اتمام رسید. (کریستین پرایس، ۱۳۸۶ / ۴۹). مسجد الاقصی در سال ۱۳۰ هجری تقریباً ۷۴۸-۷۴۷ میلادی در اثر یک زمین لرزه که شدت بی سابقه ای داشت تقریباً ویران شد. المقدسی در مورد این زمین لرزه می نویسد: تالار سرپوشیده، به جز قسمت های اطراف محراب، فرو ریخت. وی اضافه می نماید: هنگامی که خلیفه این خبر را شنید و وقتی که از عمق فاجعه خبردار شد گفت: خزانه دولت اسلامی جوابگوی آن نخواهد بود که همه چیز را به حالت اول برگرداند. وی به حکام بخش های مختلف امپراطوری وسیع اسلامی و به سران نظامی نوشت که هر یک به کمک بیابند و صنایع و مهارت های مختلف محل خویش را ارایه دهند. عمارت را به گونه ای محکم تر و حجیم تر دوباره ساختند. (المقدسی ۱۶۷، ۱۳۶۱-۱۶۸) بخش قدیمی مانند یک لکه تیره در مسجد باقی ماند؛ این بخش تا ردیف ستون های مرمری ادامه دارد. بقیه ستون هایی که با گچ بر روی آن ها کار شده است مربوط به بازسازی بعد از زلزله اند. در دوره خلفای اموی مخصوصاً عبدالملک بن مروان و پسرش ولید تعمیر و ایجاد مساجد شروع شد. (حمیدی، ۱۳۸۱ / ۱۹۷) برخی پژوهشگران مثل دکتر هیثم الرطوط اعلام کردند که اموی ها مساحت مسجد مبارک الاقصی را از ناحیه شمالی چندین متر توسعه دادند؛ به نحوی که قبه سلسله در مرکز این مسجد قرار گرفت. وی در این اقدام بر کاوشگری های باستان شناسی و حفاری ها در مرزهای این مسجد تکیه کرد. علی الخصوص این که طبقات صخره ای منطقه شمالی مسجد الاقصی و دقیقاً در قسمت شمالی باب الناظر از دیگر طبقات همکف این مسجد کاملاً تفاوت دارد. (هیثم الرطوط، ۲۰۰۲ / ۳۷)

عصر عباسی

کرسول معتقد است تعیین تاریخ بازسازی مسجد به دوره عباسیان صحیح نیست. اکثر مورخان جدید تاریخ بازسازی و ترمیم مسجد را سال ۱۶۳ هجری اعلام می کنند (کرسول، ۲۰۴/۱۳۹۳) و آن را به المهدی منصوب می نمایند. با وجود این، جای تعجب است که عملیات بازسازی مسجدی بدین مشهوری بیش تر از سی سال متوقف بماند تا نوبت به خلفای عباسی برسد. شاید شایسته باشد که متن ذکر شده از المقدسی را دوباره بخوانیم. البته درست است که مؤلف از خلیفه نامی نمی برد اما هنگامی که وی از زمین لرزه صحبت می کند، می گوید: خلیفه با شنیدن این خبر ... عمارت را

بازسازی کردند. اگر متن ذکر شده از المقدسی را درست بررسی نماییم قبول می کنیم که منظور از خلیفه (المنصور) است و نه المهدی، زیرا در حالت اول، شش سال و در حالت دوم نزدیک به سی سال طول کشیده است تا خبر به بغداد برسد و این امر غیر قابل تصور است. (زلزله سال ۱۳۰ هجری ۷۴۷-۷۴۸ میلادی) یعنی همان زلزله ای که کاخ "خربات المفجر" نزدیک پریجو را ویران کرد؟ کمی قبل از سقوط خاندان بنی امیه به وقوع پیوست و البته درست است که این زلزله توانست خسارات زیادی به مسجد شهر بیت المقدس وارد سازد، اما به نظر می رسد در اینجا موضوع مربوط به زلزله دیگری است.

یعنی زلزله سال ۱۶۰ هجری ۷۷۷-۷۷۸ میلادی که در زمان خلافت المهدی اتفاق افتاد، این زلزله کاملاً با موارد مطرح شده در متنی که از المقدسی ذکر شد مطابقت دارد احتمال دارد که مسجد الاقصی دفعه اول در (سال ۱۵۴ هجری) یعنی زمان خلافت المنصور بازسازی شده باشد (تاریخ طبری، ۱۸۷۹/ ۴۷۲)، اما همه نشانه ها حاکی از آن اند که مهم ترین عملیات ساختمانی، به خصوص مواردی که المقدسی اشاره می کند، در عهد خلافت المهدی صورت پذیرفته اند (لسترنج، ۱۸۹۰، ۳۰۴/)

طی خلافت خلیفه المنصور بخش های شرقی و غربی مسجد فرو ریختند. این خبر این گونه به خلیفه رسید: ای امیرا المؤمنین زلزله سال ۱۳ هجری (۷۴۷-۷۴۸) بخش شرقی و غربی مسجد را فرو ریخته است؛ بنابراین تو اکنون باید دستور بازسازی آن را بدهی تا مسجد مثل روز اول پابرجا شود. خلیفه جواب داد که در بیت المال پولی وجود ندارد. سپس آن ها با کندن نوارهای طلا از قسمت های مختلف و به ویژه از درهایی که از طلا پوشیده شده بودند دینار درهم تهیه کردند. از این پول ها تا دینار آخر را در راه بازسازی مسجد استفاده کردند. (لسترنج، ۲۴۶-۲۴۷/ ۱۸۹۰)

البته زلزله دوم نیز آمد و عمارتی را که المنصور بازسازی کرده بود به زمین فروریخت. در عهد خلافت المهدی که پس از منصور جانشین وی شد مسجد هنوز ویرانه بود، وی دستور بازسازی آن را داد، سپس خلیفه گفت که مسجد... خیلی باریک و طولانی است... و مردم به اندازه کافی به مسجد نمی آیند اینگونه بود که... طول مسجد را کم کردند و به عرض آن افزودند. بنابراین بازسازی مسجد با نقشه ای جدید در عهد این خلیفه به پایان رسید. بنابراین تا اینجا دو زلزله تأیید شده است. زلزله اول مربوط به سال ۱۳۰ هجری است و مؤلف برای زلزله دوم تاریخ تعیین نکرده است، البته ما می دانیم که تاریخ زلزله دوم سال ۱۶۰ هجری است. همچنین در سال ۲۱۵ هجری قمری (۸۳۱ میلادی) مامون خلیفه عباسی تغییراتی را در قبه الصخره انجام داد و نام عبدالملک را از روی کتیبه بنا برداشت و اسم خود را جایگزین ساخت. ولی تاریخ کتیبه را تغییر نداد که همین مساله وی را رسوا ساخت. (هاتشتاین و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۵) پس از او المقتدر بالله در دوران خلافتش در سال ۳۰۱ هجری قمری دستور داد چوب های قبه صخره و سقف آن را مرمت کنند و چندین دروازه

چوبی طلا کاری شده را به این مکان اضافه کنند. البته در در زمان فرمانروایی فاطمی ها این گنبد مرمت شد، زیرا در پی وقوع زلزله های متعدد؛ به ویژه زلزله سال ۴۰۷ هجری قمری گنبد اموی فرو ریخت نه خود ساختمان. این مرمت ها در زمان الحاکم بامر الله آغاز گردید و در زمان الظاهر لاعزاز دین الله خاتمه یافت و در سال ۴۱۳ هجری قمری به اتمام رسید.

طلاکاری گنبد صخره

مجیرالدین در اینجا داستانی را حکایت می کند و آن، این که صد هزار دینار از مبلغ اختصاص داده شده برای ساخت این گنبد باقی ماند عبدالملک دستور داد که این دینارها به دو مهندس سازنده بناها تحویل داده شود، ولی آنان نپذیرفتند. عبدالملک دستور داد این دینارها را با شمش های طلا ذوب کنند و این گنبد و دروازه های آن را طلا کاری کنند، این دستور به اجرا درآمد؛ به نحوی که از آن روز به بعد این گنبد همچنان می درخشد. (العلیمی، ج ۱/۴۰۳) برخی تاریخ نگاران به این نکته اعتراض می کنند، چرا که بعدها گفته شد که این گنبد با گالوانیزه (لوح های سربی سیاه رنگ) پوشیده شده است، نه با طلا، ولی ما در پاسخ می گوئیم که برخی تاریخ نگاران و گردشگران که از قدس در دوران خلافت عباسی و فاطمی بازدید کردند گفتند که گنبد صخره طلا کاری شده بود از جمله آنان ابن عبد ربه و شمس الدین مقدسه و غیره می باشند. این مساله بر دیدگاه تاریخ نگاران قایل به این که این گنبد از همان آغاز یعنی زمان اموی ها با طلا پوشیده شده است، صحه می گذارد. پر واضح است که دولت اموی نسبت به دولت های ما بعد خودش بسیار ثروتمند بود و این دولت مقتدرترین و پهناورترین دولت اسلامی در طول تاریخ به شمار می رود. تمامی دولت هایی که بعد از آن روی کار آمدند کم حجم تر و از لحاظ مالی ضعیف تر بودند. سلیمان بن عبدالملک جانشین ولید بن عبدالملک زمانی که از قدس بازدید می کرد دوست داشت با چشم و خدم خود زیر این گنبد بنشیند. ساخت این گنبد با ساخت باب الرحمه همزمان شد. این دروازه بعدها بسته شد. (معروف عمر، ۹۸/۱۳۶۱)

سبک معماری قبه الصخره

سبک معماری گنبد صخره شریف نشان می دهد که این گنبد ساخته نشده بود که به یک مسجد ویژه میدل گردد، بلکه از همان آغاز هدف از ساخت آن این بود که بخشی از مسجد مبارک الاقصی قرار گیرد، بنابراین گنبد به صورت هشت ضلعی ساخته شد که با بنای ساخت مساجد در اسلام کاملا متفاوت است، چرا که در اسلام مساجد یا به شکل مستطیل یا به شکل مربع است و به سمت قبله ساخته می شود، عبدالملک بن مروان این مساله را از نگاه دور نداشت و چندین محراب در داخل این گنبد جهت مشخص کردن سمت و سوی قبله احداث کرد. ساختمان قبه الصخره به صورت هشت ضلعی و بر روی یک تختگان مصنوعی که در روزگار هیردوس ساخته شده است و راه صعود به

تختگان شش پلکان است، دو پلکان در سمت جنوبی و غربی و یکی در قسمت دو قسمت دیگر است.

مسجد دارای گنبد مرکزی است (حدود ۲۰ تا ۲۵ متر ارتفاع) که کاملاً در قسمت تختگان قرار نگرفته است و مرکب از گنبد دو پوشش چوبی است. که روشنایی بنا به وسیله ۱۶ پنجره که بر روی ساقه گنبد تعبیه شده اند تأمین می شود. (اتینگهاوزن، ۲۶/۱۳۸۶) و چهل پنجره بر نمای هشت ضلعی طبقه پایینی که در هر سمت پنج پنجره تعبیه شده است. (هاتشتاین و دیگران، ۱۳۸۹/۶۴) گنبد بر حامل قرار گرفته است و در میان ستون ها طاق نماهایی تعبیه شده است و بخش های هر طاق نما بر سه ستون چیره می شوند و دایره پیرامونی، طبقه پایینی هشت ضلعی که گنبد بر فراز آن ساخته شده است، طرح اصلی بنا را می نماید، توسط طاق نماهایی مرتبط شده اند طبقه پایین را به دو دالان تقسیم بندی می کند و چهار در بزرگ در جهات چهارگانه قرار گرفته اند که دسترسی به بنا را سهولت می بخشد (هاتشتاین و دیگران، ۱۳۸۹/۶۴) با توجه به ساخت مسجد در این دوره بیشتر تزیینات داخلی آن در وضعیت اولیه خود باقی مانده است. در این دوره بخش های تحتانی دیوارها با الواح نفیس و زیبا از سنگ طرح دار پوشیده شده اند و بخش های فوقانی دیوارها با موزایک هایی بر زمینه طلائی پوشیده شده اند، که باغی رویایی را تجسم می کند و درختان با آذین برگ کنگر و نقش مایه های گیاهی، از میوه ها و جواهرات سرشار هستند. همچنین برای اولین بار در بنایی از دوره اسلامی کتیبه ای از خط کوفی دیده می شود که بر گرفته از بخش هایی از قرآن است و انتخاب آن خاص و آیتی که بیشتر مربوط به مسیح و مریم مقدس است دیده می شوند که از مردم می خواهد سر تعظیم در برابر دین اسلام فرود بیاورند. که همین متون می تواند کارکرد اصلی بنا را که همان تبلیغ دین اسلام است را در یک منطقه مسیحی نشین نشان دهد. (هاتشتاین و دیگران ۱۳۸۹/۶۴)

قبه

قبه در زبان عربی به بنایی می گویند که سقف آن گرد و برآمده بوده و مطابق اصطلاح رایج " گنبدی شکل باشد (فرهنگ معین). صخره ای که این گنبد بر فراز آن احداث گردیده است از نظر هر سه دین ابراهیمی مکانی مقدس به شمار می رود. قبه بنایی مانند حلقه ای با شانزده روزن که پنجره هایش بود. و بر بالای یک گردونه استوانه ای روی چهار ستون قرار گرفته است و بین آن ها مسیر هایی وجود دارد قطر ساقه آن ۴۴/۲۰ متر است. (کرسول، ۳۲/۱۳۹۳)

گنبد

در قسمت بالای بنا تمام فضا به وسیله گنبد فرا گرفته شده است، امری که حالت روحانی محیط مسجد را افزایش می دهد. "این گنبد دو پوشه ی چوبی است". (پوپ، ۲۶۲/۱۳۸۲) که در زمان

عبدالملک ساخته شده بود گنبد کنونی که به جای گنبد اولیه در قرن ۱۲ بنا شده از همان ابتدا زر اندود بوده است. و آن را خلیفه فاطمی، الظاهر^۱ در سال (۴۲۷-۴۱۱ق/۱۰۳۵-۱۰۲۰م) ساخته است. گنبد پیش از آن در سال ۴۰۷ فرو ریخته بود. (کرسول ۳۲/۱۳۹۳-۳۳)

کتیبه

این گنبد، نخستین بنای اسلامی است که دارای کتیبه های عربی روی بناست که به عنوان خط کوفی شناخته شده که به صورت رگ چینی در بالای طاقگان دور راهروی داخلی قرار دارد. این انتخاب غیر معمول بوده است و احتمالاً مرتبط با کاربرد خاص قبه الصخره در اورشلیم بوده است. (اندر لین، ۱۳۸/۳۷)

تمام آیات قرآنی در این کتیبه از مسیحیت سخن می گوید و این امر بر پیام اسلامی در یک شهر مسیحی تأکید دارد. (اتینگهاوزن و گرابر، ۲۱/۱۳۹۰) در انتهای این کتیبه، تاریخی و جود دارد مبنی بر اینکه " این گنبد توسط خادم خداوند، عبدالله، امام مأمون، خلیفه مؤمنان، در سال ۷۲ ساخته شد. شاید این اثر مورد رضای خدا باشد. " در سال ۸۳۱ خلیف عباسی، مأمون تغییراتی در قبه الصخره انجام داد و نام عبدالملک را از نوشته های روی ساختمان پاک کرد و نام خودش را به جای آن گذاشت. (اندر لین، ۳۷/۱۳۸۹-۳۸)

طاق ها

طاق هایی (رواق ها) نعل اسبی از ممیزات معماری اکثر مساجد عصر اموی است که در قبه الصخره نیز به کار گرفته شده است. (مددپور، ۱۳۷۴/۲۵۴)

کاشی کاری ها

سبک کاشی کاری قبه الصخره از نظر بسیاری جزئیات یاد آور تزیینات کلیساهای مسیحی است و همچنین بیانگر تأثیرات هنر دوره ساسانی ایران است (اندر لین، ۶۰/۱۳۸۹) نیمه پایینی دیوارهای بیرونی ساختار هشت ضلعی، بامرمر مزین شده است، اما نیمه بالایی آن که در نیمه سده ۱۶ م /۱۰ق به فرمان سلطان عثمانی سلیمان بزرگ، کاشی کاری شده که در اصل با موزاییک، سنگ و شیشه پوشیده شده بود. (برند، ۲۴/۱۳۸۳)

۱. علی الظاهر لاعزاز دین الله هفتمین خلیفه فاطمی مصر بوده است

نتیجه

عمارت قبه الصخره که نسخه اصلی از دست آوردهای عظیم و وسیع بود می بایست تبدیل به راهنما و هادی اکثر معماران غرب می شد در واقع اگر بگوییم مسجد الاقصی تبدیل به الگویی برای مساجد برافراشته توسط مسلمانان اسپانیا و مغرب شد غلو نکرده ایم و در راستای اصول کلی طرح همین مسجد بود که مساجد کوردوبا و قیروان ساخته شد به هر حال هنر اسلامی در واقع تلفیقی از هنر سرزمین های مفتوحه است که کریستین پرایس در کتاب خود (تاریخ هنر اسلامی) می گوید: داستان هنر اسلامی با چکاچک شمشیر و آوای سم ستوران در بیابان و بانگ بلند پیروزی الله اکبر آغاز می شود، با هنرمندان مصری بیزانسی و ایرانی روبه رو شد که از تلفیق این هنرها در واقع چیزی که به اسم هنر اسلامی می شناسیم پدید آمد. مصداق این گفتار در تزئینات بنای قبه الصخره مشهود است. که در واقع می توان گفت که یک ویتترین از هنر سرزمین های فتح شده است که عناصر و نقوش تزئینی ملل گوناگون از جمله بیزانس و ساسانی در آن به وفور دیده می شود. این بنا نوعی بنای پیروزی و نصرت است و حال آن که زبان رسمی معماری این بنا، زبان مغلوبان است نه فاتحان . آنچه این بنا را یک بنای اسلامی کرده شکل آن نیست، بلکه نیتی است که (نه در زبان هنری آن) با ابزار فرعی و غیر معماری یعنی کتیبه های عربی آن بنا شده است .

منابع

- ابن الاثير، عز الدين ابوالحسن على بن ابى الكرم، الكامل فى التاريخ، بيروت، دار صار، ۱۹۶۹.
- ابن كثير دمشقى، ابوالفداء اسماعيل بن عمر ف البدايه و النهايه، بيروت دارالفكر، ۱۴۰۷ ق.
- اتينگها وزن، ريچارد، الگ گرابر، هنر و معماری اسلامى، يعقوب آژند، تهران ۱۳۸۶.
- الرطروط، هيثم فتحى، نظريه جديده لتفسير التصميم و التخطيط الهندسى لقبه الصخره (بريطانيا-دندى: مجمع البحوث الإسلاميه فى المملكه المتحده، ۲۰۰۲).
- العليمى، مجير الدين، الأنس الجليل بتاريخ القدس و الخليل، تحقيق: عدنان أبوتبانة و محمود الكعابنة (الأردن- عمان: مكتبة دنديس، چاپ اول، ۱۹۹۹).
- پاپا دوپولو، معماری اسلامى، حشمت جزنى، تهران، مركز نشر فرهنگى، رجا ۱۳۸۶.
- پرايس، كريستين، تاريخ هنر اسلامى، مسعود رجب نيا، تهران، امير كبير ۱۳۸۶.
- تولابى خوانسارى، جسين، تأثير هنر معماری بيزانس و ساسانى بر معماری دوره اموى كتاب ماه و هنر، اسفند ۱۳۸۸ شماره ۱۳۸.
- جان هواگ، هانرى مارتن، سبك شناسى هنر و معماری در سرزمين هاى اسلامى، پرويز ورجاوند، تهران، علما، فرهنگى، چاپ ششم ۱۳۸۸.
- حميدى، جعفر، تاريخ اورشليم، تهران، اميركبير، تهران ۱۳۸۱.
- زمانى، عباس، تأثير هنر ساسانى در هنر دوره اسلامى، اداره كل نگارش وزارت و فرهنگ و هنر آبان ماه ۱۳۵۵.
- طبرى، ابو جعفر محمد بن جرير، تاريخ الامم و الملوك، تحقيق: ابراهيم، محمد ابوالفضل، بيروت، دارالتراث، چ دوم ۱۳۸۷ ق.
- عبدالغنى، محمد عبدالله، قبه الصخره، پاىگاه مجلات تخصصى نور مگز، رجب ۱۳۹۶.
- كساى، نورالله، نخستين خطبه فتح قدس در حضور صلاح الدين ايوبى دانشكده ادبيات و علوم انسانى تهران پاييز ۱۳۶۷، شماره ۱۰۵.
- كرسول، كپل آرچيبالد كمرون، گذرى بر معماری متقدم مسلمانان، باز نگرى جيمز آلن، ترجمه مهدى گلچين عارفى، فرهنگستان هنر، موسسه تأليف، ترجمه و نشر آثار هنرى "متن" تهران ۱۳۹۳.
- گولون، لوسين، منصور فلاح نژاد، مسجد الاقصى در بيت المقدس، مجله هنرى و معماری تابستان و پائيز ۱۳۷۶، شماره ۳۳، از صفحات ۳۹۲ تا ۴۲۷.
- لسترنج، گای، روزنامه سلطنتى جامعه آسيايى، مجله نوزدهم، سرى جديد، اورشليم ۱۴۷۰.
- معروف عمر، عبدالله، المدخل الى دراسه المسجد الاقصى المبارك، ترجمه داوود كرىمى، موسسه محمدبن راشد المکتوم، ۱۳۶۱.

- مقدسی، محمد ابن احمد ؛ احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران ۱۳۶۱
- وزیری، علینقی، تاریخ عمومی هنرهای مصور، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۸۷
- ولکمار و دیگران، اندر لین، معماری اسلامی، ترجمه اکرم قیطاسی، سوره مهر، تهران، ۱۳۸۹
- هیلن براند رابرت، هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، انتشارات روزنه فرهنگ هنر، تهران ۱۳۸۷
- یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی